

واژگان‌شناسی شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی

نجمه طاهری ماه‌زمینی،^۱ دکتر محمدصادق بصیری،^۲ دکتر محمدرضا صرفی^۳

چکیده

شاعران و نویسندگان ایرانی در همه اعصار به بیان واقعیت‌ها و انتقاد از حاکمان وقت و اوضاع اجتماعی و سیاسی دوران خود پرداخته‌اند. این نوع از اشعار به "شعر اعتراض" موسوم هستند. این مقاله اشعار اعتراض را در دوره بعد از انقلاب اسلامی از جنبه واژگان‌شناسی مورد بررسی قرار می‌دهد و واژگانی که باعث تشخیص زبان این نوع شعر گشته، نشان می‌دهد. هنجارگریزی‌های واژگانی در شعر اعتراض به گونه‌های مختلفی به وجود آمده‌اند؛ از جمله کهن‌گرایی در اسم و فعل، نوآوری در ترکیبات، افعال و عبارات‌های فعلی، به کاربردن اسم‌ها، فعل‌ها و اصوات عامیانه و محاوره‌ای و واژگان برگرفته از زبان‌های دیگر. آنچه در همه این برجستگی‌های زبانی قابل توجه است، ارتباط آن‌ها با موضوع اعتراض است و شاعران با بهره‌گیری از این واژگان به خوبی توانسته‌اند مضامین اعتراض‌آمیز خود را پرورش دهند و به مخاطبان القاء نمایند.

کلیدواژه‌ها: ادبیات انقلاب اسلامی، شعر اعتراض، هنجارگریزی واژگانی.

مقدمه

انسان معاصر همواره در حال عصیان در برابر خمود و ایستایی است و این عصیان و اعتراض خود را در آثار و نوشته‌های خود به صورت شعر، شعار، داستان، طنز و.. نمایان می‌سازد. این عصیان گاه علیه فرهنگ‌های دروغین، گاه مقابل دشمنانی خارجی و گاه اعتراض علیه ضد ارزش‌ها و تغییر مسیر انگیزه‌ها و اهداف دینی و اجتماعی است که روی هم رفته ادبیات اعتراضی را به وجود می‌آورد. ترکیب "ادب اعتراض" که تقریباً با مترادفاتی چون "ادب مقاومت"، "ادب شورش"، "ادب ستیز" در برابر "ادب سازش" در آثار ادب‌پژوهان و فرهنگ‌ها به تصریح از آن یاد شده است، به آن دسته از سروده‌ها و نوشته‌ها اطلاق می‌شود که به نوعی روح انتقاد یا اعتراض یا مقاومت شاعر و نویسنده را در برابر عوامل تحمیلی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی حاکم منعکس کرده است (پشت‌دار، ۱۳۸۹: ۱۵۸). در فرهنگ اصطلاحات چاپ و نشر زیر این عنوان آمده است؛ «ادبیات اعتراض (protest= literature): ادبیاتی که هدف از انتشار آن‌ها اعتراض نسبت به چیزی، معمولاً اعتراض به اوضاع سیاسی است» (پورممتاز، ۱۳۷۲: ۳۵۹). با توجه به روحیه سرکش و طغیان‌گر این نوشته‌ها، باید آن‌ها را جزئی از ادب پایداری و در ادامه همان مقاومت ملت‌ها دانست. چون انتقاد و اعتراض بدنه‌ای جداگانه، اما بسیار اساسی از مفاهیم و مصداق‌های ادبیات پایداری را تشکیل می‌دهد (صدقیان‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۸۶) باید بدانیم، هدف شاعران اشعار اعتراض براندازی نظام حاکم بر کشور نیست، بلکه آن‌ها قصد دارند با بیان این مشکلات و اعتراض‌ها جامعه را به سمت اصلاح و بهبود پیش ببرند.

بحث و بررسی

الف) پیشینه شعر اعتراض

این نوع ادبی از آغاز شعر فارسی تاکنون همواره در اشعار شاعران متعهد مورد توجه قرار گرفته است. از جمله این شاعران می‌توان خیام، ناصر خسرو، سنایی، حافظ، عبید زاکانی و... را نام برد. «شعر خیام اعتراض به کارگاه خلقت است؛ "جامی است که عقل آفرین می‌زندش... الخ" شعر حافظ اعتراض است به کارگاه خلقت و کار محتسب؛ "محتسب شیخ شد و فسق خود از یاد ببرد... الخ" شعر سنایی نیز در قلمرو "زه و مثل" غالباً شعر اعتراض است و این اعتراض لحنی درشت و ستیهنده دارد» (شعیبی کدکنی، ۱۳۸۰: ۳۹) هم‌چنین ناصر خسرو را باید یک شاعر ژورنالیست دانست که نقد اجتماعی و سیاسی را در شعر خود مطرح می‌کند، به گونه‌ای که اگر در عصر حاضر زندگی می‌کرد، بسیاری از اشعار او اجازه چاپ نمی‌یافتند (سلیمانی، ۱۳۶۰: ۱۲۱) اما در گذشته ادب فارسی این گونه شاعران که انتقاد اجتماعی مستقیم و با انگیزه‌های اجتماعی داشته باشند، اولاً نادر و انگشت‌شمارند و ثانیاً شعر انتقادی همین بزرگان هم در حدی نیست که بتوان آن را یک جریان مستمر و ریشه‌دار به شمار آورد و آن‌ها هم، بیش‌تر ناصح‌اند تا منتقد (زرقانی، ۱۳۸۳: ۶۷) بنابراین، علی‌رغم تلاش شاعران گذشته ایران، این ادب اعتراضی چندان گسترش نیافته است، اما در دوره معاصر یعنی از زمان نهضت مشروطه تا دوره معاصر انتقاد و اعتراض جزئی از زندگی مردم و به خصوص شاعران متعهد شده است. شعر اعتراض به مفهوم خاص خود به شعر دوره بعد از جنگ اطلاق می‌شود که در آن شاعر انقلاب بر فراموشی‌ها و دگرگونی ارزش‌ها می‌آشوبد. این نوع شعر در سال‌های جنگ هم سابقه دارد و شاید بتوان "خیابان هاشمی" محمدرضا عبدالملکیان را از نخستین آثار موفق دانست که مشخصاً به مسایل اجتماعی می‌پردازد. البته موضوع آن بیش‌تر متوجه گروه‌ها و قشرهای اجتماعی معارض با

۱۲۰ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۱۸) زمستان ۱۳۹۳

انقلاب است. شعر معترضی که مشخصاً به خودی‌ها اشاره دارد، بیش‌تر در آثار حسن حسینی و علی رضا قزوه جلوه دارد. البته «این نوع شعر در سال‌های اولیه انقلاب که دوران شکل‌گیری نظام بود، به مصلحت جامعه نبود، ولی در دوران ثبات، زمینه برای طرح این مفاهیم فراهم شد. یکی از زمینه‌های این نوع شعر نفوذ تدریجی رفاه زدگی، ریاکاری و استفاده جویی در میان گروهی از خودی‌ها بود، شعرهایی مثل "مولا ویلا نداشت" و "روزگار قحطی وجدان" از علی رضا قزوه و "نوشداروی طرح ژنریک" از حسن حسینی از این نمونه‌اند» (کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۰۴) این گونه شعر «بیش‌تر در غزل نمود یافت .. اما اعتراض، محدود به غزل نیست» (صرفی، هاشمی، ۱۳۹۱: ۳۳۲). برخی از شاعران نوپرداز انقلاب نیز در این نوع شعر شاخص شده‌اند. «شعر صفارزاده در اوج خود، شعری است اجتماعی و کاملاً غیر شخصی که هیچ از منش فردی شاعر در آن به چشم نیم خورد» (میرشکاک، ۱۳۸۷: ۵۶). از دیگر شاعران شاخص در حوزه شعر اجتماعی انقلاب، علی معلم دامغانی، سلمان هراتی، قیصر امین‌پور، عبدالجبار کاکایی، علی محمد مؤدب و قادر طهماسبی را می‌توان نام برد. از آنجا که ابزار کار این شاعران زبان است، توجه به مسائل زبانی در حوزه این اشعار قابل اهمیت است.

ب) ضرورت و کاربرد

زبان به عنوان یک پدیده اجتماعی اصلی‌ترین وظیفه‌اش برقراری ارتباط است. در هر ارتباط و تعامل، اطلاعاتی توسط زبان و واژگان به دیگران منتقل می‌شود. یکی از این راه‌های تعاملی زبان، بیان اعتراض و انتقاد به صورت شعر است. از آن جا که عنصر اصلی شعر را واژه‌ها تشکیل می‌دهند، لازم است تا واژگان به کار رفته در اشعار اعتراض از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرند تا نحوه استفاده از واژگان در اشعار اعتراض دوره معاصر مشخص شود. این مقاله می‌تواند راهنمایی

واژگان‌شناسی شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی ... • نجمه طاهری ماه‌زمینی. و... • صص ۱۴۲-۱۱۷ □ ۱۲۱

برای محققین در زمینه ادبیات پایداری و ادب اعتراض باشد تا معلوم شود که شاعران این نوع شعر از چه نوع واژگانی استفاده می‌کنند؟ و آیا هیچ ارتباطی بین واژگان و مضامین این اشعار وجود دارد و یا خیر؟ با بیان این مقدمه به بررسی واژگان شعر اعتراض در دوره پس از انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود.

پ) اهمیت واژه در شعر

توجه به واژگان شعر از روزگاران کهن تا کنون یکی از مباحث مهم شعرشناسی را تشکیل داده است. دیوید لوج در مورد شعر و نقش واژه در آن می‌گوید: «شعر دنیای خود را واژه به واژه می‌سازد» (مامی، ۱۳۶۹: ۶۶۳). واژه در شعر نقش اساسی و به‌سزایی ایفا می‌کند، اهمیت واژه در شعر تا بدانجاست که رنه ولک می‌گوید: «اصوات یا صداها و کلمات و طرز ترکیب اصوات برای این ابداع شده‌اند تا توجه را به سوی واژه‌ها جلب کنند» (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۷۴) این سخن بدان معناست که همه عناصر شعر اعم از اصوات، وزن و... تنها به این دلیل به وجود آمده‌اند تا کارکرد و زیبایی واژه را به اوج خود برسانند. رابرت فراست نیز معتقد بود «شعر نوعی اجرا به وسیله کلمات است» (براهنی، ۱۳۷۱: ۱۳۴) و حتی برخی پا را از این فراتر نهاده‌اند و معتقدند: «تمام شعر، کلمه است» (رویایی، ۱۳۵۷: ۶۰). از این تعاریف معلوم می‌شود که واژه در شعر عنصری بنیادین و اساسی است و نقش بسیار مهمی در تشخیص بخشیدن به زبان شعر دارد. یکی از راه‌های تشخیص بخشیدن به زبان شعر گریز از هنجار عادی زبان است.

ت) هنجارگریزی در شعر

با پیدایش مکتب فرمالیسم در روسیه و آرا و نظرات آن در مورد زبان شعر، چهارچوبی منظم به دست منتقد ادبی آمد تا با دیدی علمی و به دور از ذوق و

۱۲۲ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال پنجم، شماره ۲ (پای‌درپی ۱۸) زمستان ۱۳۹۳

احساس به بررسی متون ادبی بپردازد. از آنجایی که فرمالیست‌ها به بررسی زبان ادبی و کارکردهای آن می‌پرداختند، به شدت تحت تأثیر زبان‌شناسان و آرای آن‌ها بودند. یکی از مهم‌ترین عناصری که فرمالیست‌ها به آن تکیه می‌کردند، فراهنجاری یا همان هنجارگریزی بود. فراهنجاری، گریز از برخی اصول و قوانین زبان معیار است. جفری لیچ زبان‌شناس انگلیسی فراهنجاری‌ها را به هشت قسمت واژگانی، دستوری، آوایی، خطی، معنایی، گویشی، سبکی، در زمانی یا باستان‌گرایی تقسیم نمود و معتقد بود فراهنجاری‌ها به زنجیره کلام کارکردی جدید می‌بخشند و بار معنایی آن را تغییر می‌دهند و باعث رستاخیز زنجیره کلام می‌گردند (Leech, 1969: 42-52) از آنجا که موضوع اصلی مقاله بررسی واژگان شناختی زبان شعر اعتراض است، در این جا به توضیح هنجارگریزی واژگانی پرداخته می‌شود.

ث) هنجارگریزی واژگانی

واژگان در ایجاد اندیشه بسیار موثر هستند و شاعران موفق معمولاً با به‌کارگیری توان‌های زبانی هم در جهت ایجاد معانی مختلف و هم در ساختن کلمات و واژگان جدید تلاش می‌کنند. وقتی شاعر و نویسنده‌ای واژه جدیدی را می‌سازد، این واژه جدید در نظام جمله برجسته و نشانه‌دار می‌گردد. به این نوع برجسته‌سازی ادبی هنجارگریزی واژگانی می‌گویند (صفوی، ۱۳۸۰: ۱۳). در این نوع هنجارگریزی شاعر با توانایی و استعدادی که دارد، یا واژگان و ترکیبات جدیدی را ابداع می‌کند که تا آن زمان کاربرد نداشته است و یا از زبان گذشتگان کلماتی را وام می‌گیرد و در شعر خود به کار می‌برد تا زبان شعر خود را برجسته و متشخص کند. در زبان شعر اعتراض هم، شاعران از این گونه برجسته‌سازی‌ها استفاده نموده‌اند. این گونه برجسته‌سازی‌ها در همه عناصر زبان شعر به کار رفته‌اند. به طور کلی زبان شامل واژه‌ها، ترکیب‌ها، جمله‌ها و چگونگی پیوند آن‌ها می‌شود. (حسن‌لی، ۱۳۸۳: ۱۹۹)

ج) بررسی انواع واژگان در شعر اعتراض

ج-۱) کاربرد واژه‌های جدید

از آن‌جا که اشعار اعتراض زبان درد دل‌های مردم معاصر هستند، لازم است از لغات جدید استفاده کنند. برخی معتقدند که هر واژه‌ای اجازه ورود به زبان شعر را ندارد. در مقابل، برخی معتقدند که هر واژه‌ای قابلیت این را دارد تا وارد زبان شعر شود از جمله آن‌ها فروغ فرخزاد است که می‌گوید: «برای من کلمات خیلی مهم هستند. هر کلمه روحیه‌ی خاص خودش را دارد. همین طور اشیاء، من به سابقه شعری کلمات و اشیاء بی‌توجهم. به من چه که تا به حال هیچ شاعر فارسی‌زبانی مثلاً کلمه "انفجار" را در شعرش نیاورده است. من از صبح تا شب هر جا نگاه می‌کنم، می‌بینم چیزی دارد منفجر می‌شود. من وقتی می‌خواهم شعر بگویم دیگر به خودم که نمی‌توانم خیانت کنم. اگر دید، دید امروزی باشد، زبان هم کلمات خودش را پیدا می‌کند و وقتی زبان ساخته و یکدست و صمیمی شد، وزن خودش را خودش می‌آورد» (تسلیمی، ۱۳۸۳: ۹۴) بنا بر این نظر، هر شاعری می‌تواند بر طبق ذهنیت و شرایط زمانی خود واژگان جدیدی را وارد زبان شعرش کند. این گونه واژه‌های جدید در اشعار اعتراض بسیار به کار رفته‌اند که عبارتند از:

«در معرکه سوت و کف نماهنگ شماس

خون در دل دین، حنای بی رنگ شماس

بر نعلش شقایق است پاکوبی‌تان

تکفیر بهار جزء فرهنگ شماس»

(مؤدب، ۱۳۸۱: ۳۷)

صدای ما را از بهشت می‌شنوید! / (این صدای شهیدی است بی سر) / مردان

انقلابی بعد از این! / میز ناهارتان را / بر نصف‌النهارها بچینید / با طناب استوا / تاب

۱۲۴ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال پنجم، شماره ۲ (پای‌درپی ۱۸) زمستان ۱۳۹۳
بازی کنید / کفن‌مان را / بادبان کشتی تفریحی‌تان کنید! / شبتان آفتابی! (تزو، ۱۳۷۴: ۹۶)

«در ایمن اجساق موسع هر شاخه، جز هیمه‌ای نیست
در هرم بی منطق فقر جز سوختن بیمه‌ای نیست»
(مؤدب، ۱۳۸۸: ۴۱)

ما امروز / وارث دل حقیری هستیم / که ظرفیت تفکر ندارد / بیا تا دل‌مان را
بزرگ کنیم / می‌ترسم / آجیل‌ها غافل‌مان کنند. (هراتی، ۱۳۶۴: ۵۵)
در این نمونه‌ها واژگانی که زیر آن‌ها خط کشیده شده است، جدیدند و در دوره
معاصر بیش‌تر در شعر به کار رفته‌اند. علاوه بر این گاهی شاعران اعتراض، خود
واژه و ترکیب جدیدی را می‌سازند.

ج-۲) ابداع واژگان و ترکیبات تازه

هر شاعری برای آفرینش شعر خود از برخی تکنیک‌ها و شگردها سود می‌جوید.
یکی از این شگردها، رویکرد به ابداع واژه و ترکیبات بدیع است که از دید
فرمالیست‌ها، جزء فراهنجاری واژگانی محسوب می‌شود. در این شیوه، شاعر برای
ایجاد رستاخیز در زنجیره کلام، واژگانی را وارد زبان شعر می‌کند که تا آن زمان
وجود نداشته است. منظور از ترکیب جدید، ایجاد ترکیبات اضافی و وصفی نیست،
بلکه ساختن واژه‌های جدید در اثر ترکیب چند واژه با یکدیگر است. واژگان
ابداعی، زمانی کارکرد هنری و زیبایی‌شناسانه دارند که باعث سستی کلام نشده و در
همنشینی با سایر واژگان، از نوعی وحدت و انسجام نیز برخوردار باشند. «با خلق
هر واژه تازه به وسیله شاعر، در واقع پاره‌ای از فکر تازه به زبان تزریق می‌شود و
این؛ یعنی توسعه اندیشگی زبان در چارچوب واژگان...» (حسن‌لی، ۱۳۸۳: ۱۴۸). این
مسئله تأییدی بر ارتباط مستقیم ذهن و زبان است؛ یعنی انسان آن‌چه را می‌اندیشد

واژگان‌شناسی شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی ... • نجمه طاهری ماه‌زمینی. و... • صص ۱۴۲-۱۱۷ □ ۱۲۵
به زبان می‌آورد. از این نوع برجسته‌سازی نیز، در شعر اعتراض بسیار به کار رفته
است.

ج-۳) آفرینش ترکیبات تازه در شعر اعتراض

ترکیبات موجود در شعر اعتراض در ارتباط مستقیم با موضوع اعتراض هستند و
این نشانه‌ی تربیت ذهنی شاعران اعتراض است که با ایجاد این جریان شعری در
ادبیات پایداری، زبان مخصوص آن را نیز خلق کرده‌اند. از این نمونه‌ی ترکیبات
می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

«دسته گل‌ها دسته دسته می‌روند از یادها

گریه کن، ای آسمان! در مرگ توفان زاده‌ها

سخت گم نامید، اما، ای شقایق سیرتان!

کیسه می‌دوزند با نام شما، شیادها»

(قزوه، ۱۳۹۱: ۱۳)

«هله‌ای دشت‌های خواب زده! این منم ابر آفتاب زده

و این جنون گریه‌های گرم من است که به چشمان خاک، آب زده»

(باقری، ۱۳۶۵: ۳۷)

«پدران پاره زمینی پی معبد هستند ما شکم باختگان مزرع گندم کردیم»

(مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۱۷۰)

بچه‌ها ز شهر شب گریختند/ خواب را به رودخانه ریختند/ بود آنچه بود/ ماند

آنچه ماند! / کفش پاره‌ها به پابرهنگان رسید! / هم‌چنان که بود! / رخش‌های آهنین

بادپا/ به سالکان مدعی! (طهماسبی، ۱۳۸۲: ۹۱)

۱۲۶ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال پنجم، شماره ۲ (پیاوردی ۱۸) زمستان ۱۳۹۳

«آه! از زخم دل میرس، با تب دارد بگذرد

آن چه بر روزگار این، دشنه آباد می‌رود»

(کاکایی، ۱۳۶۹: ۶۴)

ملک از جمیع جهات آباد است / آباد از نظارت طراحان / .. / زندان مجاور نابودستان / و گورگاه صداها / حنجره‌ها / نادیدنی / بی سنگ و بی نشان / ملک از جمیع جهات آباد است. (صفا زاده، ۱۳۶۵: ۱۶-۱۷)

«مردم ز قلم بازی تان، فصل تفنگ است شب نامه زیاد است، شبیخون بنویسید»

(مهدی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۳۸)

«شهیدتر ز شهیدان بی کفن؛ شاعر غریب‌تر ز نویسنده‌ها؛ کتاب فروش»

(قزوه، ۱۳۹۱: ۱۷۷)

نمونه‌های دیگر این ترکیبات عبارتند از:

محنت آباد (مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۱: ۲۲۱) رخسستان (همان: ۷۵) زهد بازان (همان:

۱۸۵) صحنه بازی (همان: ۷۲) کاکل‌زری‌ها (همان: ۷۴) تلخکان / ادابازی (قزوه، ۱۳۹۱:

۱۲۵-۱۲۶) دعا بازی! (همان: ۱۲۶) انقلاب فروش (همان: ۷۸) تیمچه (همان: ۷۷)

آدمسوزی / آدمسوزند (صفا زاده، ۱۳۸۷: ۳۲۲) من به نرخ روز زندگی نمی‌کنم!

(طهماسبی، ۱۳۸۲: ۹۹) قلندر گریزیای من! / آهوانه (رضایی‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۲) پیغمبر مرگیم

/ سرسنگین (قزوه، ۱۳۹۱: ۵۰) عاقبت‌آبادها (قزوه، ۱۳۶۹: ۵۲)

ج-۴) عبارت‌های فعلی جدید در شعر اعتراض

عبارت فعلی به دسته‌ای از کلمات گفته می‌شود که با هم معنی فعل واحدی را می‌رسانند. غالباً معادل با مفهوم یک فعل ساده یا یک فعل مرکب است. این افعال بیش از دو کلمه هستند که یکی از کلمات آن حرف اضافه است و مجموع عبارت نیز، معنی مجازی دارد (انوری و گیوی، ۱۳۶۷: ۲۹) این‌گونه افعال معمولاً از یک

واژگان‌شناسی شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی ... • نجمه طاهری ماه‌زمینی. و... • صص ۱۴۲-۱۱۷ □ ۱۲۷

پیشوند + اسم + فعل ساده ساخته می‌شوند. نمونه‌ی این افعال در اشعار اعتراض عبارتند از:

جا ندارند در هبوط خزه، سروها - جمله‌های معترضه.

زود رفتی به حاشیه‌ای متن، زود حرف اضافه‌ات کردند. (مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۸:

۳۸)

«دل به هر داغ و جفا دادم و... دیگر کافی است

بارها از تپش افتادم و... دیگر کافی است»

(مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۷۲)

چند وقتی است از مد افتاده / زخم‌ها، این شناسنامه تو / پرده‌ها را ببند، شب شده

است / روز را در اتاق پنهان کن. (مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۴۳)

کامبیز خان دوست دارد پسرش را آلفرد صدا کند / آلفرد فکر می‌کند / از دماغ

فیل افتاده است / برای همین می‌خواهد به هندوستان پناهنده شود! (قزوه، ۱۳۶۹: ۱۰۲)

چ) کهن‌گرایی (آرکائیسم) در شعر اعتراض

کهن‌گرایی که از آن با تعبیر باستان‌گرایی یا آرکائیسم هم یاد کرده‌اند، این است که شاعر برای برجسته کردن کلام خود از واژه‌ها، ترکیب‌ها و ساخت‌هایی استفاده کند که امروزه دیگر در زبان ما کاربرد ندارند. به کارگیری این ساخت‌ها و واژگان قدیمی در شعر آن قدر اهمیت دارد که شفيعی کدکني در کتاب موسیقی شعر می‌گوید: «شاید پس از وزن و قافیه، معروف‌ترین و پربسامدترین راه‌های تشخیص بخشیدن به زبان، کاربرد آرکائییک باشد» (شفيعی کدکني، ۱۳۷۳: ۲۴). بر این اساس اغلب شاعران از این روش برای تشخیص زبان شعر خود استفاده می‌کنند و اشعار اعتراض نیز از این مهم مستثنا نیستند. از جمله این کهن‌گرایی‌ها در شعر بعد از انقلاب می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

چ-۱) کهن‌گرایی واژگانی

«هر که تزویر کند ایدِر، اَشْتَر ماییم هر که آماس کند از زر، نَشْتَر ماییم»

(مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۱۹۷)

آفریدون! بیا کنار بایست، کاوه‌ای نیست زیر آن پرچم

یوسف! از همان طرف برگرد، پشت این میز هم عزیزی نیست (مؤدب، ۱۳۸۸: ۲۸۱)

«این سفلگان بسان جرادند آسب حرث و آفت بستان

این مارهای گَرزه نهانند در رخنه‌های حیل و دستان»

(شاهرخی، ۱۳۸۴: ۱۶)

«ما همانیم که تیغی به تغاری دادیم نقد یک عمر مشقت به قماری دادیم

و همانی که به اورنگ خدایی دل بست رخنه بند گران ساخته را با گل بست»

(مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۱۷۴)

نمونه‌های دیگر: هلا / دشنه (قزوه، ۱۳۶۹: ۷۸) فانوس‌ها (همان: ۵۵) توبره

(همان: ۱۵۳) زخمه (قزوه، ۱۳۷۴: ۵۱) غمینم (طهماسبی، ۱۳۸۲: ۲۲) پشته (مؤدب،

۱۳۸۸: ۲۴) درع / ترمه کن / هلا / بانگ تیره / اینک. (مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۸:

۱۹۸)

چ-۲) کهن‌گرایی در افعال شعر اعتراض

وقتی که فعلی دارای گرایش آرکائیسمی باشد طبیعتاً تمام آن جمله نیز کهن به

نظر می‌رسد و عکس آن نیز صادق است یعنی اگر عبارتی دارای واژگان و ساختار

سنگین و کهنی باشد، اما فعلی با ساختمان کهن نداشته باشد، نمی‌تواند سیمای

آرکائیستی خود را به تماشا نهد (علی‌پور، ۱۳۷۸: ۳۱۴). نکته‌ای که باید در ارتباط با

کهن‌گرایی فعل‌های شعر اعتراض به آن توجه داشت، این است که این افعال هم مثل

واژگان‌شناسی شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی ... • نهمه طاهری ماه‌زمینی. و... • صص ۱۴۲-۱۱۷ □ ۱۲۹

سایر واژگان در ارتباط با موضوع اعتراض هستند؛ یعنی بین فعل کهن و سایر اجزای بیت و موضوع اعتراض پیوستگی وجود دارد. مثل:

«آه اگر درد رسیدن داشتی عشق را بازی نمی‌انگاشتی»

(طهماسبی، ۱۳۸۲: ۲۳)

«پدران پاره زمینی پی معبد هشتند ما شکم باختگان مزرع گندم کردیم»

(مهملی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۱۷۰)

«چون دد، سیه دلان زران‌دوز خایند نای خلق به دندان»

(شاهرخی، ۱۳۸۴: ۸۶)

هنوز عطر گلدوزی دستمال‌ها / و سجاده‌های خاطره / گیسوی مادران را /

تاراج می‌کند / و مرا به حاشیه شهر می‌برد / جایی که نام دیگر مرگ / بی‌دردی‌ست.

(باقری، ۱۳۸۶: ۷۲)

«شعله‌ این داغ چگونه فسرد آتش آن عشق چرا سرد شد؟!»

(محقق، ۱۳۸۷: ۵۳)

«سروی اگر ز جور تبر داری اوفتد زخمی که مورپانه زند، کاری اوفتد»

(مؤدب، ۱۳۸۸: ۲۰۷)

نمونه‌های دیگر: استادن (مؤدب، ۱۳۸۸: ۲۰۷) / ستانیم / ستانیم (مهملی‌نژاد و سیار،

۱۳۸۸: ۱۹۷) سزد گر نیایی / سزد. (سبزواری، ۱۳۶۵: ۴۸)

چ-۳) کهن‌گرایی نحوی

منظور از باستان‌گرایی نحوی، خروج از نحو زبان معیار و توجه به نحو زبان

قدما است. که باعث نوعی تشخیص زبان شعر می‌شود (مدرسی، ۱۳۸۸: ۵۶) در شعر

اعتراض به گونه‌های مختلفی این نوع کهن‌گرایی نمود یافته است که در این‌جا به دو

نمونه از آن اشاره می‌شود:

چ-۳-۱) کاربرد "ک" تصغیر، تحبیب و تحقیر

این "ک" در نظم و نثر گذشته زیاد به کار می‌رفته، ولی امروزه کاربرد چندانی ندارد. اما در شعر اعتراض گاهی از آن استفاده می‌شود. مثل:

زاهدی بزرگوار! / هفت خط روزگار! / رند کهنه کار! / جای سنگ / دیگ بسته بر شکم! / عجب ریاضتی! قانع است از جهان / به باغکی و کاخکی / و چند رخس آهنین بادپا. (طهماسبی، ۱۳۸۲: ۹۶)

گفت: عشق را در این زمانه خوب می‌خرند! / به چیزکی، به میزکی! / که بوی صد تنور نان تازه می‌دهد! (همان: ۹۷)

«تاکسی می‌آمد، از گلکی بد می‌گفت شاخه در شاخه همه دست به خنجر بودند» (رضایی‌نیا، ۱۳۷۹: ۱۳۴)

«وقتی که اشتهای تو پر، واز می‌کند

مادر نشسته است، تو را ناز می‌کند

یعنی «بخواب خوشگلکم! وقت شام نیست

رؤیایمان، کبوترمان روی بام نیست»

(مه‌دی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۱۶)

«مباد سفره رنگین تان کپک بزند خلاف میل شما چرخکی فلک بزند»

(همان: ۱۲۴)

«ماران خوش کفچه‌اند و هر گنجشک محزون

بلعیده خواهد شد به محض جنبشی حتی»

(مؤدب، ۱۳۸۸: ۱۶)

نمونه‌های دیگر: دخترکی (مه‌دی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۱۲۵) طفلك. (همان: ۱۵۰)

واژگان‌شناسی شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی ... • نجمه طاهری ماه‌زمینی. و... • صص ۱۴۲-۱۱۷ □ ۱۳۱

چ-۳-۲) کاربرد "را" در معنی "برای"

در این نوع کهن‌گرایی، شاعر نشانهٔ مفعول "را" را مانند گذشتگان به معنی "برای" به کار می‌برد. مثل:

«شما که خون دل خلق را پیاله شدید! شرور شهر شما یید یا شراب فروش؟!»
(قزوه، ۱۳۹۱: ۷۷)

در این بیت "را" در معنی "برای" به کار رفته است.

«گفتم مگر شعری سرایم دردها را از جا برانگیزم مگر نامردها را»
(وسمقی، ۱۳۶۸: ۶۳)

"دردها را" در واقع باید "برای دردها" باشد. نمونه‌های دیگر عبارتند از:

«زهی مهتر دودمان رضاخان که در کشتن و سوختن بی نظیری
شرار فنا کشتزار شرف را هنر را بالای شرر در حریری»
(سبزواری، ۱۳۶۵: ۴۸)

«فتنه را تیغ سخن باید، دو پهلویی چرا؟ آن‌چه می‌دانی عزیز من نمی‌گویی چرا؟
گر زیانت نیست بند لقمه، حق را داد کن با بصیرت کار عماری کن و فریاد کن»
(مؤدب، ۱۳۸۱: ۲۷۵)

نمونه‌های دیگر: (مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۱: ۱۳۵ و ۱۹۶)، (هراتی، ۱۳۶۴: ۵۵) و (قزوه،

۱۳۹۱: ۱۲۶)

ح) کاربردهای محاوره‌ای و گفتاری در شعر اعتراض

ح-۱) واژگان محاوره‌ای

زبان شعر همیشه برای بهره‌های تأثیری و تقایی خود تا حد زیادی متکی به زمینه‌های غیر ادبی زبان و کلام بوده است. یکی از این زمینه‌های غیر ادبی زبان استفادهٔ بسیار از واژگان عامیانه و محاوره‌ای است. در واقع، زبان هر دوره‌ای، منبعی حیاتی و فزاینده برای شعر محسوب می‌شود. ولی به گفتهٔ گراهام هوف این سخن

۱۳۲ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال پنجم، شماره ۲ (پی‌درپی ۱۸) زمستان ۱۳۹۳

بدان معنا نیست که بتوان از همهٔ دانایی‌های "زبان عصر" در شعر استفاده نمود، زیرا شاعر دارای گزینش واژگانی و بافت شعری خاص خود است (هوف، ۱۳۶۵: ۱۱۶). استفاده از زبان محاوره و یا عامیانه از دوره سبک هندی آغاز شد، اما به طور خاص در شعر شاعران مشروطه و سپس نیما به اوج خود رسید. در اشعار بعد از انقلاب و به خصوص در شعر اعتراض نیز این نوع واژه‌ها کارآیی بسیاری دارند و نشانهٔ صمیمیت زبان شعر اعتراض است. چون مضمون اشعار اعتراض بیان دردهای مردم است، پس به زبان آن‌ها نزدیک می‌شود. این نوع واژگان محاوره در شعر اعتراض بسامد بالایی دارند و و شاید بتوان آن را به عنوان ویژگی سبکی این نوع اشعار بیان نمود. این واژگان عبارتند از:

«حرف ناگفته و لب دوخته ماییم، ای قوم!

آش ناخورده دهن سوخته ماییم، ای قوم!»

(مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۱۷۱)

«شاعری دیشب برای چارکی نان گریه کرد

کار مشکل شد که آن بیچاره، آسان گریه کرد»

(طهماسبی، ۱۳۸۸: ۴۷)

«دیشب چه گذشت بر شما بی "گل و نان"؟

دلواپس تانم آی مردم! مردم!»

(علی پور، ۱۳۷۲: ۱۲۹)

«دین فروشان! سفره رنگ و ریا مفت شما

بر سرایمان ذلیل لقمه‌ای نان نیستم»

(رضایی‌نیا، ۱۳۷۹: ۱۳۲)

«یک سر سوزن به فکر زیردستان نیز باش

ای مسیح فرودین! از چرخ چارم نگذری»

(قزوه، ۱۳۹۱: ۸۴)

واژگان‌شناسی شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی ... • نیمه طهری ماه زمینی. و... • صص ۱۴۲-۱۱۷ □ ۱۳۳

و ا شد (مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۱: ۱۸۲) ماها (مؤدب، ۱۳۸۱: ۲۷۴) چار / فوت و فن (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۱۷) پرسه (مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۱: ۱۴۲) پای چشم شهدا (همان: ۱۷۹) از این نوع واژه‌ها به شمار می‌روند.

ح-۲) استفاده از فعل‌های محاوره‌ای در شعر اعتراض

برخی از افعالی که در شعر اعتراض به کار رفته‌اند، بر گرفته از زبان محاوره و عامیانه مردم است و نشانه سادگی و صمیمیت زبان این نوع شعر است. برای نمونه:

«من با شمایم که چون ابر، اندوه تان بی حساب است

ای اهل پایین این شهر! ای مردمان فرودست!»

(شکارسری، ۱۳۸۹: ۵۲)

شاعری با شعرش / به تباهی چک زد / تاجری / ده ورق تایپ شده / بشتک زد
(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۲)

«تا، کسی پا می‌شد از وهم سراب داد می‌زد اسکلت، کورش بخواب!»

(عزیزی، ۱۳۸۱: ۸۱)

«خون که شتک زد ز پدرها و پسرها بر صبح یتیمان و شب بیوه زنانست؟»

(منزوی، ۱۳۹۱: ۴۷۴)

«شب نشسته است روی این معبر، رمز تنهایی تو لو رفته

پر شده از ستون پنجم شهر، ماه را در محاق پنهان کن»

(مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۱: ۴۳)

«کارگردانان بازی باز با ما جر زدند پنج نوبت را به نام کاسب و تاجر زدند»

(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۲۱)

نمونه‌های دیگر: شتک بزند (مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۱: ۱۲۴) سبز می‌شد کاش نخل

آرزوهایم (همان: ۱۸۵) گم شوید (همان: ۱۱۳) لب‌ها ترک زد / کپک زد (همان: ۴۵)

۱۳۴ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال پنجم، شماره ۲ (پای‌درپی ۱۸) زمستان ۱۳۹۳
جا زده (همان: ۱۸۲) ندارد عرضه (همان: ۱۲۴) از خانه زد به کوچه (همان: ۱۱۳) کربلا
را نیار و مثل قبل / توی خاک عراق پنهان کن / تو به رویت نیار. (همان: ۴۳)

ح-۳) اصوات عامیانه

گاهی در شعر یک صوت (= شبه جمله) برگرفته از محاوره مردم چنان در سرعت رساندن پیام و سهولت برقراری ارتباط با خواننده موثر است که هیچ واژه دیگری از عهده آن بر نمی‌آید. این نمونه اصوات عبارتند از:

بچه‌های بی پناه انقلاب / اجتماع بی ستارگان / بچه‌های خوب / بچه‌های ناب /
تیم سرفراز عاشقان / مشتشان تمام پر / دستشان تهی! / بنگرید آی بنگرید / گردش
زمانه را! (طهماسبی، ۱۳۸۲: ۸۸)

«آی مردم با ترازو خو کنید جنس‌های نیک و بد را رو کنید»
(عزیزی، ۱۳۸۸: ۱۸)

به خاطر کندن گل سرخ ارّه آورده‌اید؟ / چرا ارّه؟ / فقط به گل سرخ بگویید: هی!
تو / خودش می‌افتد و می‌میرد / تمام سرخش به سیاه می‌زند گل سرخ. (نجادی،
۱۳۸۷: ۳۹)

«حقیر اندیش باطل گو، تو جنجالی وهای و هو!»

من و تشخیص ارزش‌ها، من و تعمیق باورها»

(راکعی، ۱۳۶۹: ۸۵)

«آقا! اجازه؟ خون شهیدان چه می‌شود؟ آموزگار: هیس، پسر جان! تمام شد»
(مه‌دی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۱۸۳)

«انگار بابا هم‌کلاس اولی‌هاست هی می‌نویسد این ندارد، آن ندارد»
(مه‌دی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۱۲۸)

هم‌چنین؛ هی (مه‌دی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۹۶) آی (همان: ۱۱۴) هی. (طهماسبی، ۱۳۸۲:

واژگان‌شناسی شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی ... • نجمه طاهری ماه‌زمینی. و... • صص ۱۴۲-۱۱۷ □ ۱۳۵

ح-۳-۱) اسم صوت

اسم صوت یا نام آوا، لفظی است که از طبیعت گرفته شده است و معمولاً به صورت تکراری است. مثل قهقهه، تق و تق، جرجر و... نمونه این نام آواها عبارت است از:

«هوای یاس من از بوی کاش می‌آید صدای هق هق سارا یواش می‌آید»
(مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۱: ۹۶)

«این قلاووزها که می‌بینی، مگسانند گرد شیرینی

این صداها که نعره می‌شنوی، غیر توفان ویزویزی نیست»
(مؤدب، ۱۳۸۱: ۹۶)

چرا سهم عبدالله / جریب جریب زحمت است و حسرت / و سهم ناصرخان /
هکتار هکتار محصول است و استراحت؟ (مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۱: ۲۲۸)

«این سوی شهر خنده تلخی به خون نشست

آن سوی شهر، اشک کسی قاه قاه بود»
(مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۱: ۱۲۵)

خ) واژگان حاصل از تعامل فرهنگ‌ها در شعر اعتراض

با توجه به تبادل فرهنگی بین کشورهای مختلف جهان، سیلی از واژگان بیگانه به زبان فارسی وارد شد که شاعران معاصر نیز از آن‌ها در شعر خود بسیار استفاده نموده‌اند و در واقع نوعی برجسته‌سازی واژگانی است، چون فرایند ادراک را به تاخیر می‌اندازد و در برخی مواقع خواننده برای درک متن باید به فرهنگ لغات انگلیسی یا زبان‌های دیگر مراجعه کند. این امر از زمان مشروطه آغاز گشت و در آن دوره بیش‌تر واژه‌های سیاسی را شامل می‌شد اما امروزه در مقوله‌های دیگر نیز

۱۳۶ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال پنجم، شماره ۲ (پی‌درپی ۱۸) زمستان ۱۳۹۳
این واژه‌ها به کار گرفته می‌شوند. (حسن‌لی، ۱۳۸۳: ۱۳۲) این لغات که بر بسامدترین
واژگان در شعر اعتراض هستند، عبارتند از:

[خیابان هاشمی] خیابانی که شیرینی دانمارکی نمی‌خرد / خیابانی که جین
نمی‌پوشد / خیابانی که کراوات نمی‌زند / خیابانی که مژه‌های طبیعی را دوست دارد /
خیابانی که قلم پای پانک‌ها را خرد می‌کند / خیابانی که لباسش را از تعاونی‌ها
می‌خرد. (عبدالملکیان، ۱۳۶۶: ۱۶۱)

وقتی تابوت عاطفه بر زمین مانده بود، / جمعی به جیغ بنفش می‌اندیشیدند / و
برای کشف زوزه صورتی / هفت مرتبه الیوت و اکتاویوپاز را ورق می‌زدند. (قزوه،
۱۳۶۹: ۹۹)

آن سوی، پشت گاری خود ژست می‌گرفت (مرد لبوفروش، سیاستمدار بود)
از «جنگ و صلح» نسخه که پیچید ادامه داد: «اصرار بر ادامه جنگ انتحار بود»
(مهملی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۱۲۹)

«مادرم فکری برای عید کرد قوطی کنسرو خالی صید کرد»
(عزیزی، ۱۳۸۸: ۸۱)

«از چهره‌ها شراره غیرت رفت با افتتاح هر دکل تی وی
مردانگی به موز خریدن شد و ماهرانه چیدن با کیوی!»
(مؤدب، ۱۳۸۸: ۲۶)

یک روز وقتی / از زیر سایه‌های ملایم خوشبختی / پرسه زنان / به خانه بر
می‌گشتم / از زیر سایه‌های مرتب مصنوعی / مردان "آرشیکتک" را دیدم / رد صف
کراوات / چرت می‌زدند / ماندن چقدر حقارت آواراست (هراتی، ۱۳۶۴: ۷۱)

یک روز یک کراواتی سرمایه‌دار / با بنز قهوه‌ای‌اش از جلوی پایم و یراز داد / و
به عبای وصله‌دارم وصله‌های عوضی چسباند (قزوه، ۱۳۶۹: ۱۱۳)

سبز، پرچم ما بود / پیش از آنکه آفتاب پرست‌ها / به رنگ آن درآیند / ... /
عمری با رنگ‌های سال زیسته‌اند / با صورتی، بنفش و متالیک / با کلاه فرنگی و

واژگان‌شناسی شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی ... • نجمه طاهری ماه‌زمینی. و... • صص ۱۴۲-۱۱۷ □ ۱۳۷

پانک و نایک / .. / و جای تعجب نیست اگر یک بار دیگر هم / محض امتحان به رنگ با ما یکی شوند. (مؤدب، ۱۳۸۱: ۲۲)

شعری با کراوات / یا پاپیون، نخواهم سرود هرگز من / شعری در پیراهن واژه‌های لوکس / نخواهم سرود هرگز من / چکمه نمی‌پوشد در شعر من کلمه / کلت نمی‌بندد در شعر من کلمه. (نجادی، ۱۳۸۷: ۱۴۶)

تلخ / عروسک‌ها بی ست با شکم پر از تی.ان.تی / که بر ویتنام ریخت (نجادی، ۱۳۸۷: ۱۵). نمونه‌های دیگر: میتینگ‌های ادبی / هتل‌های مجلل (قزوه، ۱۳۶۹: ۱۲۱) مایکل جاکسون / اینشتین (همان: ۱۰۱) یک "کلکسیون" تمبر (هراتی، آسمان: ۷۲) ته سیگارهای چرچیل (همان: ۷۳) استکان (مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۱: ۱۰۰) آدامس‌های بادکنکی (قزوه، ۱۳۶۹: ۹۹) مانتوی سبک سامورایی (همان: ۱۲۵) ساعت‌های کاسیو (همان: ۱۰۴) ادکلن نمی‌زند / پیپ نمی‌کشد / دلار (عبدالملکیان، ۱۳۶۶: ۱۶۳) بمباران کردند / ویلا (هراتی، ۱۳۶۴: ۵۳) فکس / آمریکا / تلکسی / تلاویو. (مؤدب، ۱۳۸۱: ۷۰)

د) واژه‌هایی در پیوند با موضوع اعتراض

برخی از محققان زبان، واژه را واحد اندیشه می‌دانند (لوری، ۱۳۶۸: ۸۲) روان‌شناسان معتقدند از روی تنوع و بسامد واژگان مورد استفاده هر شاعری می‌توان گرایش‌های فکری، عاطفی، اجتماعی و سیاسی او را تشخیص داد از نظر روانشناسی اهمیت شناخت واژه‌های مورد استفاده افراد تا بدان حد است که بر اساس آن می‌توان به برخی از حالت روحی و روانی نویسنده و گوینده پی برد. شاعر با واژه انس می‌گیرد و با پیرامون خود پیوند برقرار می‌کند و عاطفه، احساس و تخیل خود را به کمک ابزاری که چیزی جز مجموعه‌ای از واژگان و رابطه بین آنها نیست، به مخاطب خود انتقال می‌دهد. از این رو، صاحب نظران نقد نو، امروزه ساختار شعر را هم‌چون قالب و ظرفی نمی‌پندارند که محتوا در آن ریخته شده باشد. بلکه آن را

۱۳۸ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال پنجم، شماره ۲ (پی‌درپی ۱۸) زمستان ۱۳۹۳
پدیده‌ای می‌دانند که همراه با روند پدید آمدن شعر، صورت می‌پذیرد و شکل می‌گیرد. به همین دلیل است که بررسی صورت شعر جدای از محتوا، بررسی شایسته‌ای به نظر نمی‌رسد (حسن‌لی، ۱۳۸۳: ۱۹۹) در این جا به ذکر تناسب بین واژگان با موضوع به کار رفته در شعر اعتراض پرداخته می‌شود.

د-۱) فراموشی ارزش‌ها و یاد شهدا

در شعر اعتراض یکی از مهم‌ترین موضوعات اعتراض، هشدار به فراموشی یاد شهدا و ارزش‌های آن‌ها است که در این جا به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:
«ای چهره گل انداخته از خون عزیزان!

این گونه علمداری راه شهدا نیست»

(مؤدب، ۱۳۸۸: ۷۱)

«غیرت دست تو تا خیبر و تا خندق رفت

سیر مردانه ما در گذر نان گم شد»

(وحیدی، ۱۳۸۱: ۹۷)

«چند بار از خویش پرسیدم که آیا می‌توان

با همین چشمان نان بین بر شهیدان گریه کرد؟»

(طهماسبی، ۱۳۸۸: ۴۷)

همین طور که مشاهده می‌شود واژگان به کار رفته در ارتباط با مضمون هستند.

د-۲) اعتراض به اوضاع نا بسامان اقتصادی

شاید به ضرس قاطع بتوان گفت که بیش‌ترین اعتراضات شاعران بعد از انقلاب مربوط به مسائل مالی و اقتصادی جامعه و ارتباط آن با ایمان مردم است، به طوری که حدود سیصد بیت را شامل می‌شود. این ابیات عبارتند از:

واژگان‌شناسی شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی ... • نجمه طاهری ماه‌زمینی. و... • صص ۱۴۲-۱۱۷ □ ۱۳۹

«سفره خالی چشم‌ها بیدار، گوش‌ها از گفتگو سرشار

با توام ناچار - ای دیوار - با خبر از درد مردم باش!»

(قزوه، ۱۳۷۴: ۲۶)

«آدم آن روز که دستش به دهانش نرسید

از خدا دست کشید و پی شیطان افتاد»

(مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۱: ۵۸)

«گندم، فریب دایمی گندم ما رانده از بهشت به جرم نان»

(مؤدب، ۱۳۸۱: ۲۴)

«همین دیروز آن مردی که ... می‌دانی چه می‌گویم

برای لقمه‌ای نان پیش مردم کرد تحقیرم»

(مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۱: ۱۲۰)

«زین خلق پر شکایت گریان شدم ملول

این سفره‌های واشده را آب و نان بده»

(کاکایی، ۱۳۸۷: ۱۷۸)

در این ابیات کلمات مربوط به فقر و نداری و تحقیر ناشی از آن به وفور دیده

می‌شود. نمونه‌های دیگر: (مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۱: ۵۷ و ۹۴)

د-۳) اعتراض به ناهنجاری‌های سیاسی

این گونه اشعار در جریان انتخابات ۲۲ خرداد سال ۱۳۸۸ سروده شده‌اند و در

آن‌ها بار دیگر شور

انقلابی جوانان متعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران به خوبی تجلی یافته است.

«به هوش باش که فتنه‌گران کمین کردند

کمین دوباره علیه تمام دین کردند

منافقین همه امروز سخت کوش شدند

لباس فتنه به تن کرده، سبزیپوش شدند»

(مؤدب، ۱۳۸۸: ۷۱)

«سلام بر همه الا به قلب مغلوبان سلام بر همه الا بر انقلاب فروش

شما که خون دل خلق را پیاله شدید! شرور شهر شما یید یا شراب فروش؟!»

(قزوه، ۱۳۹۱: ۱۷۷)

«یک شاخه ناخلف اگر بتواند تبدیل به دسته تبر خواهد شد...

هرچند هزارها شکایت دارد جنگل به تبر، به زخم عادت دارد!»

(مؤدب، ۱۳۸۸: ۵۲)

در این ابیات نیز موضوع سیاسی در قالب واژگان به خوبی متبلور شده است.

نمونه‌های دیگر: (مؤدب، ۱۳۸۸: ۷۰)، (مؤدب، ۱۳۸۸، الف: ۲۷۰) و (عزیزی، ۱۳۶۷

۲۰۹).

نتیجه

از این جستار آنچه بر می‌آید، این است که کارکردهای واژگانی و درون مایه‌ای اشعار اعتراض متناسب با زبان مردم روزگار هستند و در این نوع شعر اگرچه فراهنجاری‌های زمانی یا همان آرکائیسم وجود دارد، اما شاعران اعتراض سعی کرده‌اند زبان گویای دردها و رنج‌های مردم معاصر خود باشد. برای همین واژگان و افعال محاوره‌ای و کلمات برگرفته از زبان‌های دیگر بسامد بالایی دارد و شاعران به خوبی توانسته‌اند بین مضمون و زبان این اشعار ارتباط برقرار کند تا زبان شعر اعتراض مثل سایر اشعار اعم از زبان حماسی، غنایی و... متشخص و مستقل باشد.

منابع

الف) کتاب‌ها:

۱. انوری، حسن. احمدی گیوی. حسن. (۱۳۶۷). دستور زبان فارسی. تهران: فاطمی.
۲. باقری، عباس. (۱۳۶۵). نجوای جنون. تهران: برگ.
۳. _____ . (۱۳۸۶). از پلک سنگ. تهران: صریح.
۴. براهنی، رضا. (۱۳۷۰). طلا در مس. ج ۱. تهران: ناشر نویسنده.
۵. پور ممتاز، علی رضا. (۱۳۷۲). فرهنگ جامع چاپ و نشر. تهران: موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی.
۶. تسلیمی، علی. (۱۳۸۳). گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران. تهران: اختران.
۷. حسن لی، کاووس. (۱۳۸۳). گونه‌های نوآوری در شعر معاصر. تهران: ثالث.
۸. حسینی، سید حسن. (۱۳۸۷). گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس. تهران: سوره مهر.
۹. راکعی، فاطمه. (۱۳۶۹). سفر سوختن. تهران: صراط.
۱۰. رضایی نیا، عبدالرضا. (۱۳۷۹). همیشه فرداست. تهران: قو.
۱۱. _____ . (۱۳۸۹). کفش‌های مجنون گم گشت. مشهد: سپیده‌باوران.
۱۲. رویایی، یدالله. (۱۳۵۷). مسائل شعر. تهران: مروارید.
۱۳. زرقانی، مهدی. (۱۳۸۷). چشم‌انداز شعر معاصر ایران. تهران: ثالث.
۱۴. شفیع کدکنی، محمدرضا. موسیقی شعر. تهران: آگاه.
۱۵. شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). تازیان‌های سلوک. تهران: آگاه.
۱۶. شکارسری، حمید. (۱۳۸۹). تروریست عاشق. تهران: تکا.
۱۷. صفارزاده، طاهره. (۱۳۶۵). بیعت با بیداری. شیراز: نوید.
۱۸. _____ . (۱۳۸۷). طنین بیداری. تهران: تکا.
۱۹. صفوی، کورش. (۱۳۸۰). از زبان‌شناسی به ادبیات. تهران: سوره مهر.
۲۰. طهماسبی، قادر. (۱۳۸۲). گزیده ادبیات معاصر. تهران: کتاب نیستان.
۲۱. _____ . (۱۳۸۸). پری ستاره‌ها. تهران: سوره مهر.
۲۲. قزوه، علی رضا. (۱۳۹۱). صبح تان بخیر مردم. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور. موسسه انتشارات کتاب نشر.
۲۳. _____ . (۱۳۹۱). صبح بنارس. تهران: موسسه فرهنگی هنری شهرستان ادب.
۲۴. _____ . (۱۳۶۹). از نخلستان تا خیابان. تهران: مرکز آفرینش‌های ادبی.
۲۵. _____ . (۱۳۷۴). شبلی و آتش. تهران: اهل قلم.
۲۶. کاظمی، محمدکاظم. (۱۳۹۰). ده شاعر انقلاب. تهران: سوره مهر.
۲۷. کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۶۹). آوازهای واپسین. تهران: همراه.
۲۸. _____ . (۱۳۸۷). با سکوت حرف می‌زنم. تهران: علم.
۲۹. عبدالملکیان، محمدرضا. (۱۳۶۶). ریشه در ابر. تهران: برگ.
۳۰. عزیزی، احمد. (۱۳۸۸). شرحی آواز. تهران: سوره.
۳۱. _____ . (۱۳۶۷). باغ تناسخ. تهران: مرکز هنری فرهنگی اقبال.
۳۲. علوی مقدم، مهیار. (۱۳۷۷). نظریه‌های نقد ادبی معاصر. تهران: سمت.

۱۴۲ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال پنجم، شماره ۲ (پای‌درپی ۱۸) زمستان ۱۳۹۳

۳۳. علی پور، مصطفی. (۱۳۷۸). ساختار زبان شعر امروز. تهران: فردوس.
۳۴. _____ (۱۳۷۲). از گلوی کوچک رود. تهران: سوره مهر.
۳۵. منزوی، حسین. (۱۳۹۱). مجموعه کامل اشعار. به کوشش محمد فتحی. تهران: نگاه.
۳۶. مؤدب، علی محمد. رستمی. کاظم. (۱۳۸۸). مسئله ۲۲ خرداد نبود. مسئله ۲۲ بهمن بود. تهران: دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی.
۳۷. مؤدب، علی محمد. (۱۳۸۸). روضه در تکیه پروتستان‌ها. تهران: سپیده باوران.
۳۸. مهدی‌نژاد، امید؛ سیار. محمد مهدی. (۱۳۸۸). دادخواست ۱۰۰ شعر اعتراض. تهران: سپیده باوران.
۳۹. مهدی‌نژاد، امید. (۱۳۸۷). رجز. مویه. مشهد: سپیده باوران.
۴۰. نجدی، بیژن. (۱۳۸۷). پسر عمومی سپیدار. موسسه نمایش‌گاه‌های فرهنگی ایران. تهران: تکا.
۴۱. وحیدی، سیمین‌دخت. (۱۳۸۱). هشت فصل سرخ و سبز. تهران: برگ زیتون.
۴۲. وسمقی، صدیقه. (۱۳۶۸). نماز باران. تهران: امیرکبیر.
۴۳. هراتی، سلمان. (۱۳۶۴). از آسمان سبز. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۴۴. هوف، گراهام. (۱۳۶۵). گفتاری درباره نقد. ترجمه نسرین پروینی. تهران: امیرکبیر.

(ب) مقالات:

۴۵. امامی، نصرالله. (۱۳۶۹). "زبان شعر و واژگان شعری". در مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. ش ۲۳ (پیاپی ۴-۳) مشهد: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۴۶. پشتدار، علی محمد. (۱۳۸۹). "چشم‌انداز آزادگی و ادب اعتراض در شعر فارسی". در دو فصل‌نامه علوم ادبی. سال سوم. ش ۵.
۴۷. صدقیان‌زاده، قاسم. (۱۳۹۰). "بررسی مولفه‌های پایداری در شعر دفاع مقدس با تکیه بر شعر قیصر امین‌پور و سلمان هراتی". استاد راهنما دکتر احمد امیری خراسانی. دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۴۸. صرفی، محمدرضا. هاشمی. سیدرضا. (۱۳۹۱). "دفاع مقدس، تعهد و تحول در شعر قیصر امین‌پور". در نشریه ادبیات پایداری. سال دوم. ش ۳.
۴۹. مدرسی، فاطمه؛ بامدادی. محمد. (۱۳۸۸). "رویکرد کهن‌گرایانه به اشعار م. سرشک". در مجله ادب فارسی. دانشگاه تهران.
۵۰. میرشکاک، یوسف‌علی. (۱۳۸۷). "ای کاش می‌توانستیم به سخن اصل تفکر گوش بسپاریم". در ماه‌نامه راه. ش ۹.